

# درز و ایای تاریخ معاصر افغانستان

( بخش ۷ )

ورنجیت سنگ در گجرات ملاقاتی بعمل آمده و به او هم متاسفانه در يك مسئله داخلی آنهم با شرایط تقسیم يك نك مالیات کشمیر اجازه مداخله داده شده بود اگر چه عساگر سگ در سرمای ۱۲۲۷ در کوه های کشمیر کاری ساخته نتوانست و قشون افغانی به تنهایی داخل محاربه با سردار یاغی بامیرزائی گردید معذالك مها را جای سگ انتظار سهم موعود را داشت ولی وزیر فتح خان مستحکم چند سر عسکر قوای امدادی سگ را باهدایاتی رخصت کرد و نامبرده با غلام محمد خان یسکی از برادران عطا محمد خان عازم لاهور گردید شاه شجاع پیشنهاد فتح خان را مبنی بر تصرف و حکومت دیره خات نه پذیرفته او هم نزد رنجیت سنگ رفت. رنجیت و غلام محمد خان بامیرزائی با هم سازش نموده و سردار بامیرزائی خبط نزرگی را امر تکب شده و بواسطت او رنجیت سنگ قلمه افک را از جهان نداد خان برادر دیگر عطا محمد خان حاکم سابق کشمیر بيك لك روپیه خریداری نمود و باین ترتیب پای قوای سگ در دروازه ولایت مشرقی رسیده و مستحکم شد. اشرف الوزراء فتح خان بعد از تنظیم امور کشمیر برادر خود سردار محمد عظیم خان را که در جنگ ها باوی پهلوی پهلوی ایستاده بود حاکم آنجا مقرر نموده و خود علی الرغم چیز های مخالفی که مخالفین در دربار شاه محمود می سرانیدند وارد کابل گردید و استقبال شایان از او بعمل آمد.

عطا محمد خان بامیرزائی به نوعی که ذکر شد خود را از کشمیر کشیده و از راه دیره خات به قندهار نزد کامران رفت و آتش حسد او را نسبت بوزیر نامدار مضاعف ساخت و کار های آبنده او نشان میدهد که دخالت حبه و بغض شخصی در امور مملکت داری بکدام اندازه به نقص خود او و مملکتش تمام شد.

جنگ های داخلی مادر دوره اول ز ما مداری شاه محمود و شاه شجاع سگ ها را قدم به قدم جرئت بخشیده و خود سری های حاکم افغانی کشمیر

و اغراض شخصی مامفت فرایگان کلید قلعه انپک را بدست رنجیت سنگ داد . مهرا را جا از برج های جسم قلعه از فراز یوزه سنه گلاخ انک به سواحل راست رودخانه بزرگ نگاه کرده و آرزو های بزرگی را میخواست عملی کند و متاسفانه بعثت خانه جنگی های کمرشکن ماو نجدید مخالفت سدوزائی و بارک زائی يك حصه زیاد آنرا عملی کرد . رنجیت سنگ که به کشمیر چشم دوخته بود موزرع دریافت يك قسمت مالیات را بهانه گرفته و در جولائی ۱۸۱۴ ( ۱۲۳۰ هجری قمری ) بر علیه سردار محمد عظیم خان لشکر کشید . در حمله اول به تاریخ ۹ ماه مذکور شش هزار عسا کر سگ تلف شد و یکی دو حمله دیگر آنها هم رد گردید و حکومت سردار محمد عظیم خان در کشمیر تقویت یافت .

فتح خان که از نقشه های تعرضی رنجیت بر علیه کشمیر آگاه بود دست یافتن سگ هارا بر قلعه انک بحیث فریب کاری و مداخله در خاک افغانستان تلقی میکرد پیوسته سعی داشت نانشاه محمود را به دخالت اوضاع و تخطی بیگانگان متوجه سازد ولی این حرف ها بگوش شاه راحت طلب نمیخورد تا اینکه حملات رنجیت به کشمیر چشم و گوش شاه را به حقایق تلخ باز کرد فتح خان در مسائل تعرض خارجی همیشه بحیث يك پهلوان داوطلب ملی حاضر به اقدامات فوری و عملی بود و کوچکترین دخالت خارجی را در خاک وطن متحمل شده نمیتوانست موضوع دست یافتن سگ ها در قلعه انک واقعه ای بود که آرامی را از او سلب کرده بود و مترصد موقع مساعد بود تا اینکه حمله های رنجیت به کشمیر تکرار شد فتح خان موضوع تخطی و اجای سگ را به اطلاع بزرگان و سران بانفوذ قومی رسانیده راز آنها تیکه انتظار کمک داشت کمک خواست چنانچه این موضوع از روی مسائلی معلوم میشود که بنام امین الله خان لوگری فرستاده و او را به اخذ ترتیبات لازمه و اعزام دسته قومی به مرکز و سهم در جنگ ملی و دینی دعوت نموده است و از خلال کلمات آن احساسات این زعمیم بزرگ قوم آشکارا میشود اینک متن مکتوب :

مرفع سوم اسناد خطی موزه کابل مکتوب نمره ۱۴

« عالیجاه رفیعجا بیگناه دوستی آگاه امین الله خان قرین صحت و عافیت بوده »  
 « بکام باشد بعدها مشهود میدارد که چون رنجیت سنگ نقص عهد و میثاق »  
 « نمودن مصدر فساد و تعدی مسلمان ها شده بود مامحض حمایت و رعایت »  
 « مسلمین کمر همت بر تخریب بتان کفر و ضلال و انهدام اساس مخالفان »  
 « شقاوت خصال بسته در جمع آوری مردم و لشکر اطراف و جوانب ساعی »  
 « میباشیم از آنجا که آنعالیجاه مسلمان و ننگ دین بر اولازم است باید »  
 « کمر همت و مردانگی بسته موازی سیدسوار و چهار صد پیاده از طایفه »  
 « لپو گردی جوانان خوب قچاق مکمل براق اسب و اسلحه و تفنگچی کاری »  
 « زبده سرانجام و موجود مهبیا نموده بزودی بانفاق عالیجاهان رفیع یا بیگهانان »  
 « اخوی ام طره باز خان و ارجمندی محمد زمان خان که یاد دیگر لشکر طلب »  
 « حضور نموده ایم روانه نمائید که بدون ملاحظه کرما و سرما خود را »  
 « برسانند که وقت همت و مردانگی و دوستی و خدمت و اخلاص همین وقت است »  
 « و ازین وقت بهتری بدست آنعالیجاه نخواهد آمد که هم نفع دنیا و هم ثواب »  
 « آخرت هر دو حاصل و نمائید <sup>و</sup> ~~خواهد شد~~ <sup>در طرف</sup> ~~مندان~~ <sup>آین</sup> مردم آنچه »  
 « آنعالیجاه خرج کند و بدهد با <sup>مجرمی</sup> ~~خواهد شد~~ <sup>در عوض</sup> این خدمت »  
 « بنوعی با و مهربانی و شفقت خواهیم نمود که بین الامثال و الاقران سرفراز »  
 « خواهد شد و درینباب به هیچ وجه اهمال و مسامحه و خود داری ننمائید »  
 و بهمه وجوه مطمئن و خاطر جمع باشید زیاده چه قلمی گردد .

مهر ( شاه دوست )

درین مکتوب وزیر فتح خان حملات رنجیت سنگه را بر کشمیر و اقدامات متخا صمانه او را بر علیه سردار محمد عظیم خان حاکم آنجا نقص « عهد و میثاق » خوانده و صرف مساعی او در جمع آوری لشکر از اطراف و اکناف مملکت هویدا میگردد این لشکر گران را وزیر فتح خان و سردار دوست محمد خان با خود گرفته و عازم پشاور شدند . رنجیت از طرف لاهور و در اولپندی حرکت

نمود و هر دو سپاه در کنار اناك بهم مقابل شدند. اگرچه کسامیابی در مرحله  
 اولی نصیب قوای افغانی شد و سردار دوست محمد خان در يك جنبه غلبه  
 حاصل نمود اما نبودن آب و عطش شدید از يك طرف و عدم اطلاع جبهات افغانی  
 از يك ديگر و شیوع آوازه های دروغی کسامیابی را به نا کسامی مبدل ساخت  
 و وزیر فتح خان و سردار دوست محمد خان مجبور به مراجعت به پشاور و از آنجا  
 به کابل شدند فتح خان بعد از مراجعت بکابل آنی از فکر مقابله با رنجیت سنگ  
 و گرفتن قلعه اناك از سك ها فارغ نبود و شاه محمود را پیوسته به اهمیت  
 و وخامت موضوع متوجه میساخت تا اینکه در بهار سال ۱۸۱۶ ( ۱۲۳۲ م )  
 از شاه اجازه حاصل نمود تا برای جمع آوری مالیات کشمیر بولایات مشرقی  
 حرکت کند و پول را صرف تر نیات جدید بر علیه سك ها نماید. نا گفته  
 نماند که سردار محمد عظیم خان جنگ های مستقیم خویش را با رنجیت بهانه  
 آورده و حاضر نمیشد که پول دیگری به حکومت مرکزی به کابل بفرستد  
 بهر حال بعد از اینکه وزیر فتح خان و سردار دوست محمد خان به پشاور رسیدند  
 برادر خود اسد خان را برای اخذ ۱۶ لک روپیه مالیات باقی مانده فرستادند  
 ولی قراریکه گفتیم سردار محمد عظیم خان مخارج جنگ های خویش را  
 با سك ها دلیل آورد و از دادن پول آباورزید کنار به باریکی کشید و نزدیک  
 بود که میان دو برادر برهلم بلخورد چنانچه متوسل به اقدامات جنگی هم  
 شدند بدین معنی که فتح خان دسته عسکری به قیادت دوست محمد خان بر علیه  
 محمد عظیم خان فرستاد ولی آخر الذکر شبانگام از میدان جنگ خود را  
 به خیمه برادرش دوست محمد خان رسانیده و بایر داخت سه لک روپیه نزاع  
 بر طرف شد و سردار محمد عظیم خان به مقام خود حاکم کشمیر باقی ماند .  
 درست در همین موقع که قلعه اناك دروازه مشرقی کشور باید از تصرف  
 سك ها بیرون کشیده میشد ایرانی ها ( دروازه غربی ) یعنی قلعه غوریان  
 را اشغال کرده و میخواستند به هرات داخل شوند قراریکه در « گفتار اول »  
 دیده شد حسن علی میرزا والی مشهد به امر فتحعلی شاه قاجار بنای حمله  
 و تهدید را گذاشته بود به تفصیلی که اینجا تکرارش لازمند اردف فتح خان

با جمعی از برادرانش به اجازه شاه محمود خود را چون تیر از سر حدات مشرقی به حواشی غربی رسانیده بعد از عزل حاجی فیرو زالدین والی هرات و عقب زدن ایرانی ها و تنظیم امور ولایت هرات و شکایت فیر و زالدین و اعضای ساندان او به کامران و شاه محمود، کامران جاه طلب که بر شخصیت برجسته وزیر فتح خان حمد میخورد با همان عطاء محمد خان بامیزائی حاکم سابق کشمیر که درین وقت با او در قندهار بود عازم هرات شده و در طی ضیافتی وزیر نامدار و خدمتگزار لایق وطن اشرف الوزراء فتح خان را کور ساختند . در نتیجه برادران وزیر همه برای انتقام گیری کمر بستند و سردار محمد عظیم خان برادرش نواب جبار خان را بجای خویش در کشمیر گذاشته خود به تعقیب دوست محمد خان و یار محمد خان روانه کابل شد . رنجیت سنگ از اشتعال آتش خانما نسوز بی اتفاقی های داخلی افغانستان سخت استفا ده نموده به کشمیر حمله کرد ( ۱۲۳۵ ه ق = ۱۸۱۹ م ) و نواب جبار خان را اشکست داده بالاخره کشمیر را متصرف شد و دست آخرین حکمران افغانی بالاخره ازین دره زیبا کوتاه گردید .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی